

پیش‌خواران

به بهانه انتشار اثر تاریخی –پژوهشی «فتواهای مضحک مفتیان وهابی»

«جهاد نکاح» شاهکار وهابیت!

■ **سیدمحمد ملک مرعشی**



است که مفتی‌های حرام‌خوار دلاری وهابی در خدمت آل سعود گوش به فرمان انگلیس، امریکا و صهیونیسم در حمایت ترور یست‌هایی نظیر داعش، جبهه‌النصره و آل سعود به نام اسلام صادر می‌کنند و تاز زوال و سقوط حکومت آل سعود ادامه خواهد داشت ولی این فتواهای ضدقرآن نسبت به تأیید اسلام ناب محمدی حکم «عدو شود سبب خیر» را دارد زیرا همانطور که فتواهای مغایر با قرآن ادعای اسلامیت وهابیت و مسلمانی وهابیان را باطل می‌سازد، اسلام اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام را که نام دیگر اسلام ناب محمدی می‌باشد، اسلام واقعی حقیقی معرفی می‌کند زیرا قرآن باطل‌کننده فتوای مفتی‌های وهابی، اسلام ناب‌محمدی را آخرین دین آسمانی و پیامبر بزرگوارش را آخرین پیامبر برگزیده خدا و قرآن را آخرین کتاب آسمانی دانسته و آنان را برای عالمیان رحمت واسعه می‌داند. خزعبلات و اراجیفی را که به نام فتواهای مضحک از نظر می‌گذرانید توسط مفتی‌های وهابی طبق خواست امریکا، انگلیس و صهیونیسم داده شده که یکی از روش‌های خصمانه اسلام‌ستیزی و مسلمان‌هراسی می‌باشد و به طور حتم، و یقین در طول تاریخ اسلام روش عالمان منحرف از اسلام اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده‌است، زیرا عالمان و صاحب‌نظران و فتوادهندگان، این نوع اراجیف را که مفتی‌های دلاری وهابی به نام و عنوان فتوای اسلامی داده‌اند گناهانی می‌دانند که در اسلام ناب محمدی حرام و برای آن در دنیا و آخرت مجازات شدید مقرر شده‌است.

از طرفی با توجه به مجازات این نوع گناهان که بسیاری از آنها به تغییر دین مبین اسلام» گناه



تعدادی از مفتیان وهابی در محفلی در عربستان سعودی

کبیره» است و خدای تبارک و تعالی آن را حرام کرده‌است، برای تجویزکننده چنین معاصی، نه تنها مجازات معین نموده، بلکه تجویز آنها را خروج بر فرامین واجب‌الاطاعه قرآن دانسته که ارتدادآور است. به علاوه چون جامعه اسلامی را آلوده بلکه مبتلا به فساد می‌نماید، چنین افرادی از خطوط قرمز طهارت فرد و عصمت جامعه که تعریف‌کننده اسلام ناب‌محمدی است، عبور نموده و در زمره جنایتکارانی ماندن بنی‌ایمه هستند که باید به هر نوع ممکن نابود شوند، زیرا تجربه شده مجازات‌های شرعی ادب‌کننده چنین افرادی نبوده‌است تا جامعه اسلامی و جامعه‌سازان دینی از شر و شیطنت این نوع افراد که گناه را به پیکره جامعه در اصل فرد در جامعه تزریق می‌کنند، در امان بمانند.

به این اعتبار حکومت‌هایی مانند آل سعود که دارای چنین مفتی‌های بی‌دین و لامذهبی می‌باشد، با فتوادهندگان اسرائیلی که زنا یا محارم ، اسواط ... را با واژه «نکاح» به نام دین مبین اسلام تجویز شرعی می‌نمایند، تفاوتی ندارند زیرا زمینه‌سازان خروج پسر دین مبین اسلام می‌باشند. به همین اعتبار هر کس این نظام به تمام معنا وابسته به اسرائیل غاصب را که با نقاب جعلی خادم حرمین شریفین در خدمت صهیونیسم بین‌المللی می‌باشد به هر نوع تأیید کند، بدون تردید با خروج‌کنندگان بر دین اسلام – که خدا، قرآن، نبوت خاصه و امامت باشد– همراهی نموده‌است، از این رو وظیفه مسلمانان و هر نامسلمان با شرافتی است که به هر دین و آیین و مسلکی حتی سکولار باشد اگر برای شرافت انسانیت حرمت قائل است جز این نیست به هر شکل ممکن با وهابیت مروج بی‌عفتی و بی‌عصمتی‌های تأییدکننده اسرائیل غاصب مبارزه کند تا مانع سقوط بشریت شود. چنین مجاهدانی نه اینکه از جمله مصداق بارز و قابل‌افتدا: به گیتی من جز به نیکی قدم

قدم زن تو در راه نیکان و بس می‌باشند؛ بلکه احبارگان مجاهدانی هستند که در رکاب حضرت ختمی مرتبت صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه معصومین علیهم‌السلام با کفر و الحاد جنگیدند و به شهادت رسیدند. تا گویندگان، سخنرانان، خطیبان، نویسندگان و استادان بی‌گونه، بنویسند و تدریس کنند وهابیان مانند شیخان زمینه‌ساز حضور بابیان و بهائیان برای پیروان هر دین و آیین، مسلک و فرقه‌ای مضر هستند.

■ **محمد علیکریمی**

رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی از روزهای آغازین پیروزی انقلاب اسلامی، اصرار و تأکید ویژه‌ای بر شکل‌گیری هر چه زودتر ساختار سیاسی و ریل‌گذاری برای نهادهای قانونی نظام نوپای جمهوری اسلامی داشتند. از همین رو با برگزاری انتخابات مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی در ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ و پس از سه ماه تلاش و فعالیت فوق‌العاده، تدوین و تنظیم قانون اساسی در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ آماده و در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ در یک همه‌پرسی به تصویب نهایی ملت رسید. رهبر کبیر انقلاب اسلامی نیز بر همین مبنا در آغازین روز از اسفندماه ۱۳۵۸ فرمان تشکیل شورای نگهبان قانون اساسی را صادر کردند. در مقالی که پیش روی شماست، زمینه‌ها و پیامدهای تشکیل نهاد شورای نگهبان قانون اساسی» مورد بررسی قرار گرفته‌است.

■ ■ ■

پیشینه نهادهای با وظایفی کم و بیش شبیه شورای نگهبان، به عصر مشروطیت بازمی‌گردد. زمانی که مجادلات بسیار جدی میان مشروطه‌خواهان از یک طرف و مشروطه‌مشروع‌خواهان از سوی دیگر بر سر ایلامی بودن یا نبودن قانون اساسی در گرفت، نهایتاً و پس از کشمکش‌های فراوان، این تلاش‌های نادرند زیرا زمینه‌سازان خروج پسر دین مبین اسلام می‌باشند. به همین اعتبار هر کس این نظام به تمام معنا وابسته به اسرائیل غاصب را که با نقاب جعلی خادم حرمین شریفین در خدمت صهیونیسم بین‌المللی می‌باشد به هر نوع تأیید کند، بدون تردید با خروج‌کنندگان بر دین اسلام – که خدا، قرآن، نبوت خاصه و امامت باشد– همراهی نموده‌است، از این رو وظیفه مسلمانان و هر نامسلمان با شرافتی است که به هر دین و آیین و مسلکی حتی سکولار باشد اگر برای شرافت انسانیت حرمت قائل است جز این نیست به هر شکل ممکن با وهابیت مروج بی‌عفتی و بی‌عصمتی‌های تأییدکننده اسرائیل غاصب مبارزه کند تا مانع سقوط بشریت شود. چنین مجاهدانی نه اینکه از جمله مصداق بارز و قابل‌افتدا: به گیتی من جز به نیکی قدم

■ **شکل‌گیری آغازین دوره از شورای نگهبان**
به همین جهت و به موجب اصل نبود و یکم قانون اساسی، سامگاه سه‌شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۵۸ رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی(ره) طی حکمی که توسط حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی اعلام گردید، فقهای شورای نگهبان قانون اساسی را برگزیدند.حجت‌الاسلام سیداحمد خمینی با اعلام



نظری بر زمینه‌ها و پیامدهای تشکیل نهاد «شورای نگهبان قانون اساسی»

دیده‌بان «جمهوریت» و«اسلامیت» نظام اسلامی

این خبر عنوان داشت: «افراد تعیین شده به جز

آقای محمدرضا مهدوی کنی که از مجتهدین تهران هستند همگی از مدرسین مجتهد حوزه علمیه قم می‌باشند و بر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی نظارت خواهند کرد، تاین قوانین هیچگونه مخالفتی با اسلام نداشته باشد.» حاج سیداحمد خمینی اسامی شش تن از اعضای منتخب امام برای عضویت به عنوان فقهای شورای نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به شرح زیر اعلام کرد: «حضرات آیات: حاج شیخ عبدالحیم ربانی شیرازی، حاج شیخ لطف‌الله صافی، حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی، حاج شیخ غلامرضا رضوانی، حاج شیخ احمد جنتی و حاج شیخ یوسف صائنی.»^(۱)

از نکات جالب توجه در این رابطه آن است که هیچ نشانی از این حکم در صحیفه امام(ره) یا حتی صحیفه نو دیده نمی‌شود. حال چرا احکام به این مهمی که به نوعی فرمان تشکیل شورای نگهبان محسوب می‌شود، در این منبع مبهم تاریخ، مغفول مانده، جای تعجب است.

به فاصله یک روز بعد و در تاریخ اول اسفند ۱۳۵۸ آیت‌الله ربانی شیرازی، عضو شورای نگهبان طی گفت‌وگویی با روزنامه کیهان در مورد فقهای منتخب امام(ره) برای شورای نگهبان گفت: «اینها همه از فقها و اساتیدقم هستند و مسلماً بیشن اقا [امام] نسبت به فقها بیشن صحیحی است. همه اینها از مدرسین حوزه هستند به جز یک نفر که در نجف بوده‌است. آقای رضوانی از هنگامی که آقا در نجف بودند، ایشان هم نجف بودند و با آقا به ایران بازگشتند.»^(۲) آیت‌الله مهدوی کنی دیگر فقیه شورای نگهبان که در آن زمان سرپرستی کمیته‌های انقلاب اسلامی را بر عهده داشت نیز در مصاحبه با خبرگزاری پارس در ارتباط با انتخاب شدنش از سوی امام اظهار داشت: «من از اینکه امام بنده را مورد عنایت قرار داده‌اند و به عنوان عضوی از اعضای شورای نگهبان انتخاب فرموده‌اند، احساس افتخار و مباهات می‌کنم، گرچه شخصاً خود را شایسته این مقام نمی‌بینم و از طرفی بار سنگینی را به دوش خود احساس می‌کنم و امیدوارم با تأیید خداوند متعال بتوانم در خدمت اسلام و مسلمانان باشم و از قانون اساسی جمهوری اسلامی حمایت و پاسداری کنم. وی افزود: با توجه و دقتی که ملت انقلابی بیدار و آگاه ایران در انتخاب نمایندگان مجلس دارند مسلماً نمایندگانی متعهد و مؤمن به انقلاب را انتخاب خواهند کرد. امیدوارم بار و مسئولیت ما در پاسداری از قانون اساسی سبک‌تر



آیت‌الله‌احمد جنتی در کنار مرحوم آیت‌الله ابوالقاسم خراقی جاسیه یکی از جلسات شورای نگهبان

د

پیشینه نهادهای با وظایفی کم و بیش شبیه شورای نگهبان، به عصر مشروطیت بازمی‌گردد. زمانی که مجادلات بسیار جدی میان مشروطه‌خواهان از یک طرف و مشروطه‌مشروع‌خواهان از سوی دیگر بر سر اسلامی بودن یا نبودن قانون اساسی در گرفت، نهایتاً و پس از کشمکش‌های فراوان، این تلاش‌های آیت‌الله شهید، شیخ فضل‌الله نوری بود که به ثمر نشست و در اصل دوم متمم قانون اساسی گنجانده شد

را می‌شناسید، گفت: «بله، می‌شناسمشان، ما با هم درس می‌خواندیم و سابقاً با هم بودیم، آقای ربانی که مجاهد و مبارز است، آقای جنتی هم همینطور. آقای صائنی که از فضلا هستند و بقیه آقایان هم همینطور». آقای رضوانی در مورد برنامه کار شورای نگهبان هم اظهار داشت: «من یکی از اعضای شورای نگهبان هستم و ما باید مراقب باشیم که قوانین در مجلس شورا مغایر با قرآن و احکام شرع نباشد.» وی در مورد چگونگی ارتباط شورای نگهبان با دولت و مجلس آینده هم گفت: «این دو کمال هماهنگی را با هم خواهند داشت، زیرا هم اعضای مجلس شورا، افراد مسلمانی هستند و هم اینکه شورای نگهبان از اسلام‌شناسان هستند وظیفه مراقبت از احکام اسلامی را به خوبی انجام خواهند داد.»

■ **تکمیل فرآیند انتخاب اعضای شورای نگهبان**

به موجب اصل نمود و یکم قانون اساسی و به منظور پاسداری از احکام اسلام و همچنین قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس

شورای اسلامی با آنها، شورایی به نام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: ۱- شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری است. ۲- شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شوند و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند. ۳) از مهم‌ترین وظایف شورای نگهبان علاوه بر تطبیق مصوبات مجلس با شرع و قانون، نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری، مجلس

د

در زمینه برگزاری انتخابات بارها اختلافاتی میان دولت (وزارت کشور) و شورای نگهبان در گرفت

که با پادرمیانی حضرت امام(ره)

و مقام معظم رهبری فیصله یافت.

انتخابات سومین و ششمین دوره مجلس شورای اسلامی

از جمله مهم‌ترین آنهاست

خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه‌پرسی می‌باشد. از همین رو تشکیل، تکمیل و شروع به کار رسمی شورای نگهبان ماکول به تشکیل مجلس شورای اسلامی و شورای عالی قضایی و نهایتاً معرفی حقوقدانان از سوی شورای عالی قضایی به مجلس و رأی مجلس به ایشان شد. از همین رو به فاصله چهار روز و در تاریخ چهارم اسفند ۱۳۵۸ حضرت امام خمینی در حکمی آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی‌پهشتی را به ریاست شورای عالی قضایی و آیت‌الله سیدعبدالکریم موسوی‌اردبیلی را به دادستانی کل کشور منصوب کردند. با برگزاری مرحله اول اولین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در ۲۴ اسفند ۱۳۵۸ و نیز دومین مرحله در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ مجلس اول کار خود را در هفتم خرداد ۱۳۵۹ آغاز نمود. در تیرماه ۱۳۵۹ از سوی شورای عالی قضایی ۱۲ حقوقدان به نام‌های سیدحسین مرتضوی، علی‌آراد، مهدی هادوی، حسین مهرپور، گودرز افتخار جهرمی، محمد صالحی، حسین جنتی، محمود فقهیمی، سیدهاشم طباطبایی، سیدجلال‌الدین مدنی کرمانی، محمدجعفر لنگرودی و محسن هادوی برای انتخاب شش حقوقدان شورای نگهبان به مجلس معرفی شدند. بحث و بررسی نمایندگان در مورد این ۱۲ نفر در تاریخ‌های ۲۳ و ۲۶ تیرماه صورت می‌گیرد اما رأی‌گیری در تاریخ ۲۶ تیرماه و به ریاست رئیس سنی مجلس، سر حوم دکتر بدالله سبحانی (نماینده تهران) انجام می‌شود. در روز موعود اعلام شد که آقای محمدجعفر لنگرودی از کاندیداتوری انصراف داده و بدین ترتیب حقوقدانان حاضر به ۱۱ نفر تقلیل یافتند و همین موضوع نیز باعث بحث‌هایی میان نمایندگان شد به طوری که برخی این مسئله را مانع رأی‌گیری دانستند و عنوان نمودند فرد دوازدهم هم باید معرفی شود

تا از میان ۱۲ نفر، شش نفر انتخاب شوند. در نهایت به رغم بحث‌های فراوان، رأی‌گیری انجام شد و به ترتیب آرا از ۱۹۵ رأی، آقایان مهرپور ۱۷۹ رأی، محسن هادوی ۱۷۲ رأی، مهدی هادوی ۱۵۱ رأی، علی‌آراد ۱۴۰ رأی و گودرز افتخار جهرمی (که سهواً از بیان دکتر سبحانی جا افتاد و طبعاً تعداد آرای وی معلوم نشد) به دلیل اخذ اکثریت آرا موفق به جلب اعتماد نمایندگان شدند. اما آقایان صالحی با ۷۶ رأی، مدنی ۷۴ رأی، مرتضوی ۴۷ رأی، طباطبایی ۳۸ رأی، لنگرودی ۱۵ رأی، جنتی ۱۰ رأی و فقهیمی چهار رأی نتوانستند رأی اکثریت را کسب کنند و بدین ترتیب نفر ششم در این مرحله برگزیده نشد. همین موضوع نیز محمل بحث‌های دیگری در میان نمایندگان شد اما باز هم نتیجه آن شد که پس از دقایقی بار دیگر رأی‌گیری انجام شده تا نفر ششم انتخاب شود. جالب اینکه با وجود استعفاى آقای لنگرودی باز هم برخی نمایندگان به ایشان رأی دادند. نتیجه بحث و گفت‌وگو آن می‌شود که دکتر سبحانی اعلام می‌کند که من هر هفت نفر را معرفی می‌کنم. حال به دو نفر مقدم که آقایان صالحی یا مدنی هستند رأی دهید یا به هر هفت نفر. در این مرحله آرای مأخوذه ۱۸۲ رأی بوده‌است که آقایان صالحی ۱۳۲ رأی، مدنی ۲۷ رأی، مرتضوی هفت رأی و لنگرودی یک رأی آوردند. بدین ترتیب آقای محمد صالحی به عنوان نفر ششم انتخاب شدند.^(۳) بنابراین در ۲۶ تیرماه ۱۳۵۹ شورای نگهبان تکمیل و رسماً کار خود را آغاز نمود. به همین دلیل ۲۶ تیرماه سالروز تأسیس شورای نگهبان نام گرفت. از آن تاریخ تا به حال شورای نگهبان فراز و نشیب‌های بسیاری را از سر گذرانده‌است. این نهاد در تاریخ ۳۷ ساله خود چهار دبیر به خود دیده که مرحوم آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی از تیر تا آبان ۱۳۵۹ به عنوان دبیر موقت، آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی از آذر ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۷، مرحوم آیت‌الله محمدی گیلانی از تیر ۱۳۶۷ تا تیر ۱۳۷۱ و دبیران تیرین آنها، آیت‌الله احمد جنتی از تیر ۱۳۷۱ تاکنون بوده‌است.

■ **چالش‌های مقطعی شورای نگهبان با مجلس**

اوج گرفتن اختلافات میان شورای نگهبان و مجلس، کار را به دو بار استعفاى دبیر وقت شورای نگهبان آیت‌الله صافی گلپایگانی کشاند. ایشان یکبار در ۳۰ مهر سال ۱۳۶۰ به دلیل اختلافات شکرشده بر سر لایحه کار اقدام به استعفا نمودند که مورد موافقت حضرت امام(ره) قرار نگرفت. بار دوم هم در سال ۱۳۶۷ و ظاهراً به دلیل اختلافات زیادی که با وزارت کشور بر سر نتایج سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی شکل گرفت، استعفا کردند که این بار مورد موافقت بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی قرار گرفت و به جای ایشان، آیت‌الله محمد یزدی نماینده پیشین مجلس در چهارم تیرماه ۱۳۶۷ به عضویت فقهای شورای نگهبان منصوب شدند.^(۴) اختلافات عمیق و مشکل‌ساز میان شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی در دهه ۶۰ که گاهی منجر به بی‌ست‌امور می‌شد، حضرت امام خمینی(ره) را در ۱۷ بهمن سال ۱۳۶۶ ناگزیر به تأسیس نهادهی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام کرد که حرف آخر را در میانه اختلافات شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بزد.^(۵) گفتنی است این نهاد در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ رسماً وارد قانون اساسی شد.

در زمینه برگزاری انتخابات نیز بارها اختلافاتی میان دولت (وزارت کشور) و شورای نگهبان در گرفت که با پادرمیانی حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری فیصله یافت. انتخابات سومین و ششمین دوره مجلس شورای اسلامی از جمله مهم‌ترین آنهاست. شورای نگهبان از سال ۱۳۶۰ رسماً نظارت بر انتخابات‌ها را نیز برعهده گرفت. اولین انتخابانی که با نظارت شورای نگهبان بر گزار شد، دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان‌دوره‌ای اولین دوره مجلس شورای اسلامی در دوم مرداد ۱۳۶۰ بود. شورای نگهبان مجموعاً ۱۱ انتخابات رهبری در جمهوری اسلامی انجام داد. ۹ انتخابات مجلس شورای اسلامی، پنج انتخابات مجلس خبرگان رهبری، یک همه‌پرسی قانون اساسی و ۱۴ انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و خبرگان رهبری را نظارت کرده‌است. در زمینه برگزاری انتخابات نیز بارها اختلافاتی میان دولت (وزارت کشور) و شورای نگهبان در گرفت که با پادرمیانی حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری فیصله یافت. انتخابات سومین و ششمین دوره مجلس شورای اسلامی از جمله مهم‌ترین آنهاست.

شورای نگهبان از سال ۱۳۶۰ رسماً نظارت بر انتخابات‌ها را نیز بر عهده گرفت. اولین انتخابانی که با نظارت شورای نگهبان بر گزار شد، دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میان‌دوره‌ای اولین دوره مجلس شورای اسلامی در دوم مرداد ۱۳۶۰ بود. در این میان فراندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان، تدوین قانون اساسی، اولین همه‌پرسی قانون اساسی، اولین انتخابات ریاست جمهوری و نیز اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی که همگی در سال ۱۳۵۸ برگزار شدند به دلیل عدم تشکیل شورای نگهبان زیر ذره‌بین نظارت این نهاد قرار گرفتند.

■ **پی‌نوشت‌ها در سرویس تاریخ «جوان» موجود است.**